

International Think Tank of
Human DignityThe Bioethics and Health
Law InstituteThe Iranian Association of
Medical Law

International Cooperation in Combating Biological Terrorism as a Crime against Humanity

Leila Mirbod¹, Mohsen Khakzad Shahandashti^{2*}

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Guilan University, Rasht, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Biological terrorism is defined as the deliberate release of biological factors to cause disease or death in people, animals or the environment with the aim of creating terror and forcing the government or international organization to take action based on a political, national or religious attitude. The potential vulnerability to bioterrorism is very serious, in the United States in 2001, four mailings containing the anthrax bacteria resulted in the illness of 22 people, the death of 5 people and the cost of \$23 million to clean up contaminated sites. Therefore, due to the deadly results of these attacks, all-round criminal fight against it should be considered in the domestic and international dimension. But there are serious challenges in knowing it as a crime against humanity.

Methods: This article has been done in a descriptive-analytical way by collecting information in a library form and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In the present research, the ethical aspects of library study, including the authenticity of texts, honesty and trustworthiness, have been respected.

Results: If biological attacks qualify as defined in Article 7 of the Statute of the International Criminal Court in the form of a "widespread" or "systematic" attack against a "civilian population" and with "knowledge of that attack", it can be committed. It is considered a crime against humanity and according to Security Council Resolution 1540 (2004), a framework is created for countries to prevent the development, acquisition, manufacture, or transfer of nuclear, chemical, or biological weapons by non-state actors as well, but the fight against biological terrorism requires a simultaneous national and international response from technical and specialized aspects. These attacks are increasingly favored by terrorist groups due to the large number of casualties, long-term complications, rapid spread and lack of efficient identification systems, the spread of the feeling of insecurity, the existence of a latent period, cheap costs and easy access. For this reason, the criminalization of these attacks is important both in domestic laws and in international obligations and a mere legal response is not enough in the fight, but the dimensions of international cooperation should also include technical, medical and security measures

Conclusion: Bioterrorism is a serious threat from terrorist groups and the intersection of international law and human rights (the right to life, the right to health and the right to a healthy environment) in the field of threats to national and international security, human rights violations and it is considered peace. Therefore, in the criminal dimension, the issue of criminalization, the jurisdiction of the courts, international assistance and in the dimension of the law of armed conflict, severe civilian casualties, support for victims, the possibility of terrorist attacks reaching the threshold of an armed attack, acting as a weapon of mass destruction and the impossibility of observing the rules of supervision raises the issue of armed conflict rights, these issues require criminalization, the adoption of an effective criminal policy and international assistance. Apart from legal measures, health cooperation is also necessary in an effective and successful response to a bioterrorist attack

Keywords: Bioterrorism; Crime Against Humanity; Right to Health; International Peace and Security; International Criminal Law

Corresponding Author: Mohsen Khakzad Shahandashti; **Email:** Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir

Received: August 07, 2023; **Accepted:** November 26, 2023; **Published Online:** January 14, 2024

Please cite this article as:

Mirbod L, Khakzad Shahandashti M. International Cooperation in Combating Biological Terrorism as a Crime against Humanity. Health Law Journal. 2023; 1(1): e8.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم بیولوژیک به مثابه جنایت علیه بشریت

یللا میربد^۱، محسن خاکزاد شاهاندشتی^{۲*}

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تروریسم بیولوژیک انتشار عوامل بیولوژیکی برای ایجاد بیماری یا مرگ در افراد، حیوانات یا محیط زیست به شکل عامدانه با هدف وحشت‌آفرینی و وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام عملی بر اساس نگرشی سیاسی، ملی یا مذهبی تعریف شده است. آسیب‌پذیری بالقوه در برابر بیوتروریسم بسیار جدی است، در ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ چهار نامه ارسالی حاوی باکتری سیاه زخم، منجر به بیماری ۲۲ نفر، مرگ ۵ نفر و ۲۳ میلیون دلار هزینه برای پاکسازی اماکنی گردید که در معرض آلودگی قرار گرفته بودند، لذا با توجه به نتایج مرگبار این حملات باید مبارزه کیفی همه‌جانبه با آن در بعد داخلی و بین‌المللی مورد توجه باشد، اما چالش‌های جدی نیز در جنایت علیه بشریت دانستن آن، وجود دارد.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: چنانچه حملات تروریستی بیولوژیکی واجد تعریف ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قالب در یک حمله «گسترده» یا «سازمان‌یافته» بر ضد یک «جمعیت غیر نظامی» و با «علم به آن حمله» ارتکاب یابند، می‌تواند جنایت علیه بشریت به شمار آید و مطابق قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت (۲۰۰۴ م)، چارچوبی برای کشورها ایجاد می‌شود تا از توسعه، دستیابی، ساخت، یا انتقال سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی توسط بازیگران غیر دولتی نیز جلوگیری کنند، اما مبارزه با تروریسم بیولوژیک از جهات فنی و تخصصی نیاز به واکنش همزمان ملی و بین‌المللی دارد. این حملات به علت ایجاد تلفات زیاد، ایجاد عوارض طولانی‌مدت، انتشار سریع، عدم وجود سیستم‌های شناسایی کارآمد، گسترش احساس ناامنی، وجود دوره نهفته، هزینه‌های ارزان و دسترسی آسان، توسط گروه‌های تروریستی با اقبال فزاینده‌ای مواجه است. به همین جهت جرم‌انگاری این حملات هم در قوانین داخلی و هم در تعهدات بین‌المللی اهمیت دارد و واکنش حقوقی صرف نیز در مبارزه کافی نیست، بلکه ابعاد همکاری بین‌المللی شامل اقدامات فنی، پزشکی و امنیتی نیز شود.

نتیجه‌گیری: بیوتروریسم یک تهدید جدی از سوی گروه‌های تروریستی است و نقطه تلاقی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر (حق حیات حق، حق بر سلامت و بر محیط زیست سالم) در حوزه تهدید علیه امنیت ملی، بین‌المللی، نقض حقوق بشر و صلح به شمار می‌آید، لذا در بعد کیفری مسأله جرم‌انگاری، صلاحیت محاکم، معاضدت بین‌المللی و در بعد حقوقی مخاصمات مسلحانه، تلفات شدید غیر نظامیان، حمایت از قربانیان، امکان رسیدن حملات تروریستی به آستانه حمله مسلحانه، عمل به مثابه سلاح کشتار جمعی و عدم امکان رعایت قواعد ناظر بر حقوق مخاصمات مسلحانه را مطرح می‌کند، این موضوعات لزوم جرم‌انگاری، اتخاذ سیاست کیفری مؤثر و معاضدت بین‌المللی را طلب می‌کند. گذشته از اقدامات حقوقی، همکاری در حوزه بهداشت نیز در پاسخگویی مؤثر و موفقیت‌آمیز به یک حمله بیوتروریستی ضروری است.

واژگان کلیدی: بیوتروریسم؛ جنایت علیه بشریت؛ حق بر سلامت؛ صلح و امنیت بین‌المللی؛ حقوق کیفری بین‌المللی

نویسنده مسئول: محسن خاکزاد شاهاندشتی؛ پست الکترونیک: Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mirbod L, Khakzad Shahandashti M. International Cooperation in Combating Biological Terrorism as a Crime against Humanity. Health Law Journal. 2023; 1(1): e8.

مقدمه

بیوتروریسم پدیده جدیدی نیست. حداقل صدها حادثه بیوتروریسم در بیش از ۳۰ کشور در سراسر جهان رخ داده است. سلاح‌های بیولوژیکی به عنوان سلاح‌های کشتار جمعی به دلیل ماهیتشان به عنوان سلاح‌های خطرناک طبقه‌بندی می‌شوند. این نوع سلاح می‌تواند میلیون‌ها غیر نظامی را بکشد. محیط طبیعی را به خطر بیندازد و نسل‌های آینده را با اثرات فاجعه‌بار خود نابود کند. به گفته ناظران نظامی و دفاعی، از سلاح‌های بیولوژیکی یک ابزار محبوب به شمار می‌روند، زیرا ارزان و مؤثر هستند. به عنوان مثال، استفاده از یک گرم بوتولینوس باعث مرگ ده میلیون نفر می‌شود. بوتولینوس یک مسمومیت نادر است که توسط سمی از کلستریدیوم بوتولینوم ایجاد می‌شود. بوتولسم سه میلیون بار قوی‌تر از بهترین سلاح‌های شیمیایی امروزه در نظر گرفته می‌شود. در مقایسه، هزینه اثربخشی حمله به ۱ کیلومتر مربع، ۲۰۰۰ دلار آمریکا برای سلاح‌های متعارف و ۱ دلار آمریکا برای سلاح‌های بیولوژیکی است. به همین دلیل، از سلاح‌های بیولوژیکی به عنوان بمب هسته‌ای «مرد فقیر» نیز یاد می‌شود (۱).

سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به دلیل پتانسیل ایجاد ترس گسترده، پتانسیل ایجاد آسیب بزرگ را دارند و چشم‌انداز جذابی را برای بازیگران غیر دولتی نشان می‌دهند. از نامه‌های حاوی سیاه زخم کشنده که از طریق سیستم پستی ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ ارسال شد تا اخیراً، استقرار مکرر تسلیحات شیمیایی علیه غیر نظامیان توسط داعش بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ در عراق و سوریه، این رویدادها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که باعث رنج و عذاب بزرگ شوند. سازمان‌ها و افراد غیر دولتی، تروریستی به تلاش برای تولید یا دستیابی به سلاح‌های بیولوژیک که قادر به ایجاد تلفات گسترده باشد، ادامه می‌دهند. این سلاح‌ها به ویژه برای چنین گروه‌هایی یا افراد الهام‌گرفته از ایدئولوژی در سراسر جهان به دلایل متعدد، از جمله هزینه کم و نسبت تلاش به ضربه حمله تسلیحاتی، پتانسیل ایجاد ترس گسترده در میان مردم و

احتمال چنین حمله‌ای جذاب هستند. این حمله پوشش رسانه‌ای قابل توجهی دریافت خواهد کرد. در همین حال، خطر اینکه افراد یا سازمان‌های تروریستی ممکن است از چنین سلاح‌هایی استفاده کنند، تا زمانی که دانش در مورد سلاح‌ها و پیش‌سازهای آن‌ها به راحتی در اینترنت در دسترس باشد و کنترل‌های تجاری بر روی پیش‌سازها ضعیف باقی بماند، همچنان بالا خواهد بود. به همین ترتیب، بسیاری از پاتوژن‌های بیولوژیکی به طور طبیعی در محیط زیست رخ می‌دهند و اطمینان از آگاهی کشورها از تهدید و اتخاذ تدابیر کاهش قوی در محل، اهمیت بیشتری دارد.

حقوق بین‌الملل مقررات متعددی را در رابطه با استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی وضع کرده است، مانند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و کنوانسیون ۱۹۷۲ (BTWC) سلاح‌های بیولوژیکی و سمی. مفاد پروتکل ژنو ۱۹۲۵ به وضوح ممنوعیت استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی را تنظیم می‌کند. با این حال، در این پروتکل به ممنوعیت تولید سلاح‌های بیولوژیکی از سوی دولت و افراد اشاره نشده است. به طور همزمان، کنوانسیون ۱۹۷۲ ممنوعیت تولید، توسعه، انباشت سلاح‌های بیولوژیکی و سموم را برای اهداف صلح‌آمیز تنظیم می‌کند. حداقل ۱۸۳ کشور عضو دارد، اما نمی‌توان انکار کرد که بسیاری از کشورها سلاح‌های بیولوژیکی دارند و توسعه می‌دهند. چندین کشور از جمله آرژانتین، برزیل، کانادا، چین، کوبا، مصر، فرانسه، آلمان، هند، اسرائیل، لائوس، لیبی، کره شمالی، پاکستان، روسیه هنوز برنامه‌های تسلیحات بیولوژیکی داشته یا در حال حاضر مظنون به تولید هستند. آفریقای جنوبی، سوریه، تایوان، بریتانیا و ایالات متحده نیز توانمندی خود را برای توسعه سلاح‌های بیولوژیکی افزایش داده است. این امر نگرانی‌هایی را در مورد این احتمال ایجاد می‌کند که گروه‌های تروریستی از طریق حمایت از کشورهای دارای چنین ظرفیتی به انتقال تخصص تسلیحات بیولوژیکی برای ایجاد بیوتروریسم دست یابند. عدم پابندی کشورها به کنوانسیون همچنین این نگرانی را ایجاد می‌کند که سلاح‌های بیولوژیکی به دست افراد نادرست بیفتند. از سوی دیگر، گروه‌های تروریستی و افراد با

مستنداتی در حقوق بین‌الملل، به مثابه جنایت علیه بشریت قابل شناسایی است.

یافته‌ها

به نظر می‌سد مروری بر اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای نشان می‌دهد عناصر مشترک اکثر این اسناد عبارتند از: الزام به جرم‌انگاری، ایجاد زمینه‌های قانونی مناسب برای تعقیب جرائم توصیف‌شده و مسأله صلاحیت، تعهد به استرداد و فراهم کردن زمینه‌های قانونی برای همکاری بین کشورهای عضو برای استرداد و کمک‌های حقوقی متقابل در رابطه با جرائم. در این راستا تعهدات دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در ابعاد گوناگون نیز محل بحث است.

بحث

۱. **واکای مفهوم و ویژگی‌های تروریسم بیولوژیک:**
بیوتروریسم انتشار عمدی یا ویروس‌ها، باکتری‌ها، سموم یا سایر عوامل مضر برای ایجاد بیماری یا مرگ در افراد، حیوانات یا گیاهان، با هدف ترساندن یا اجبار یک دولت یا جمعیت غیر نظامی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی است. این یک تهدید واقعی است، گزارش‌ها نشان می‌دهد افراد، گروه‌های تروریستی و جنایتکاران هم توانایی و هم قصد استفاده از عوامل بیولوژیکی را برای آسیب‌رساندن به جامعه دارند. دسترسی به دانش و داده‌ها نیز به طور فزاینده‌ای از طریق اینترنت در دسترس است و مجرمان از جریان‌های مخفی و ناشناس ارتباطی مانند شبکه تاریک (Darknet) برای خرید، فروش و به اشتراک‌گذاری داده‌ها و برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. خسارات ناشی از چنین رویدادی می‌تواند به بزرگی بی‌حد و حصر برسد و باعث بیماری و مرگ گسترده شود و ترس و وحشت را در مقیاس جهانی ایجاد کند. انتشار یک عامل بیولوژیکی عفونی یا سمی می‌تواند بدون هشدار اتفاق بیفتد، در حالی که واکنش به یک رویداد بیولوژیکی، خواه به طور طبیعی، تصادفی یا عمدی، متکی به هماهنگی در

اهداف معین به طور فزاینده‌ای به این نوع سلاح برای ایجاد تلفات جمعی علاقه نشان می‌دهند (۱).

تروریسم استفاده از یک دولت (چه به طور مستقیم یا از طریق تروریسم تحت حمایت دولت) از یک سلاح بیولوژیکی علیه یک جمعیت غیر نظامی، یک جنایت جنگی و بسته به ماهیت حمله بیولوژیکی، به طور بالقوه جنایت علیه بشریت خواهد بود. استفاده از یک سلاح بیولوژیکی توسط یک تروریست در حال حاضر یک جرم است که توسط هر کشور عضو کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی که در ماه مه ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شده، جرم تلقی می‌گردد. بنابراین، دولت‌ها یا سازمان‌های تروریستی بر اساس اصول موجود را در محکومیت و جرم‌انگاری این نوع رفتارها بنا می‌کنند. آنچه که طرفداران این پیشنهاد به دنبال آن هستند، این است جرم‌انگاری مستقیم و صریح استفاده از سلاح‌های بیولوژیک و ساخت و نگهداری غیر مجاز چنین سلاح‌هایی از سوی هر فرد و در هر محدوده جغرافیایی طبق حقوق بین‌الملل، جرم محسوب شود.

تجربه حقوق کیفری بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند درگیری‌های مسلحانه و شکنجه نشان می‌دهد که اثر بازدارنده جرم‌انگاری رفتارهای دولتی و فردی خاص تحت قوانین بین‌المللی زیاد نیست. به همین ترتیب، با توجه به اینکه فعالیت‌های تروریست‌ها در اکثر حوزه‌های قضایی که در آن فعالیت می‌کنند، غیر قانونی است، باید متوسل به همکاری بین‌المللی شد. در نهایت، بسیاری از افرادی که از حملات سیاه زخم وحشت دارند، ممکن است تعجب کنند که چرا نهادهای عملیاتی بین‌المللی به جای تلاش برای جلوگیری از وقوع حملات، توجه خود را بر مجازات تروریست‌ها یا بازیگران دولتی متمرکز می‌کنند (۲).

روش

این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین تلاش‌های بین‌المللی برای ممنوعیت تروریسم بیولوژیک بوده و درصدد است تا بررسی نماید جنایت تروریسم بیولوژیک با چه

بخش‌های مختلف است. بدیهی است که نیاز به راهبردهای پیشگیری، آمادگی و واکنش ساختاریافته حیاتی است. باید افزود تروریست‌ها به طور کلی دارای چهار انگیزه کلاسیک می‌باشند:

۱- آن‌هایی که به دنبال هدفی خاص هستند و از خشونت برای نشان دادن پیام یا مخالفت خود با موضوعی استفاده می‌کنند، مانند مخالفان سقط جنین، در این مورد، ممکن است به تروریسم به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافی خاص نگاه شود و سطح خشونت طبق هدف مورد نظر ممکن است محدود و یا بسیار زیاد باشد، طبق این الگو، روزگاری فرض می‌شد که تروریسم نیازی به سلاح‌های کشتار جمعی ندارد، چون که چنین ابزارهایی، وسایلی را فراهم می‌کنند که با اهداف ترور بسیار در تضاد هستند؛

۲- تروریست‌هایی که از خشونت برای ارتقای ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند و معمولاً چپ یا راست‌گرایان افراطی هستند، جناح راست افراطی در راستای گروه‌های چپ‌گرا در دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ مسئول حملات مخرب در ایتالیا و ترکیه بود، در دهه ۱۹۹۰، جناح راست افراطی‌گر به عنوان یک نیروی مروج خشونت در آلمان، استرالیا و سایر مناطق اروپایی پدیدار شد، حملات علیه مهاجران و خارجی‌ان در قلب این اتفاقات بودند (چپ‌گرایان اصول‌گرا (مثل جنبش‌های مارکسیستی، لنینی، ماورماتیسیم، استالین) سازمان‌هایی مثل ارتش سرخ ژاپن و ارتش سرخ در آلمان و فرماندهان سرخ در ایتالیا) (۳)؛

۳- ترویست‌هایی که انگیزه‌های ملی‌گرایانه داشته و به علل نارضایتی‌های جغرافیایی یا نژادی به دنبال استقلال از یک کشور و یا پیوستن به خاک کشور دیگری هستند، در کشورهایی مثل ایرلند، مکزیک، ترکیه، مصر و اندونزی، فاصله طبقاتی و اقتصادی باعث نارضایتی‌های قومی و نژادی گردید؛

۴- تروریست‌هایی که انگیزه‌های مذهبی - سیاسی دارند، این گروه گرایش بیشتری به کشتار دارند، زیرا معتقدند اقداماتشان در جهت دستورات الهی است و اغلب از مذهب و یا آیین خاصی استفاده نامشروع می‌کنند.

۲. تلقی تروریسم بیولوژیک به مثابه جنایت علیه بشریت: مسأله اصلی مقاله حاضر این مهم است که چگونه می‌توان تروریسم بیولوژیک را به عنوان نوعی از جنایت علیه بشریت دانسته و سازوکارهای بین‌المللی موجود برای تعقیب، محاکمه و مجازات متهمان را در مورد آن فعال نمود؟ در پاسخ به این سؤال باید به هدف، علت وجودی و محور ساخت تروریسم توجه کرد. هدف تروریست‌ها هم ایجاد رعب و وحشت است و هم کشتار. علت وجودی تروریسم نیز وادار کردن دولت یا سازمان دولتی در گردن نهادن به خواست‌های تروریست‌هاست و محور ساخت این پدیده را باید برهم‌زدن نظم عمومی دانست.

با دقت در مفهوم برهم‌زدن نظم عمومی می‌توان به سادگی دریافت که هر نظام حقوقی، با تدارک قواعدی امری، در صیانت از نظم عمومی است و روشن است که نقض این قواعد با واکنشی شدیدتر از نقض قواعد عادی مواجه خواهد شد. این واکنش در نظام حقوق بین‌الملل نیز به شکل جرم‌انگاری و مجازات‌های کیفری وجود دارد. در جامعه بین‌المللی دو دسته قواعد مربوط به صلح و حقوق بشر از جمله قواعد امری هستند که وظیفه صیانت از نظم عمومی را بر عهده دارند (۴). تروریسم یک وسیله برهم‌زننده نظم عمومی است که ضمن نقض قواعد اساسی، نظم عمومی بین‌المللی را نیز تهدید می‌کند. جنایت تلقی کردن تروریسم بیولوژیک، زمانی که به شکل غیر دولتی ارتکاب یابد، از این روست که این جرم قواعد بنیادین و آمره جامعه بین‌المللی را نقض می‌کند. جنایت بین‌المللی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند، دو دسته پیامد به همراه دارند: ۱- تکلیف به محاکمه و استرداد؛ ۲- بحث صلاحیت جهانی، اما نظر دیگری نیز وجود دارد و آن جنایت‌دانستن برخی اقدامات از آن رو که به طور کلی در حقوق بین‌الملل جرم دانسته شده‌اند، بی‌آنکه دولت‌ها با قراردادن آن‌ها در چارچوب صلاحیت جهانی موافقت کرده باشند. از سوی دیگر با توجه به مقدمات و مذاکرات انجام‌شده در خلال کنوانسیون رم، نامی از تروریسم و انواع آن امروزه در صلاحیت‌های موضوعی دیوان بین‌المللی کیفری دیده نمی‌شود،

اما با احراز شرایط مندرج در تعاریف جرائم در صلاحیت آن، می‌توان تروریسم بیولوژیک را نیز جنایت جنگی یا علیه بشریت دانست.

بنابراین در حقوق هنجاری، با توجه به هدف، محور ساخت و علت وجودی تروریسم بیولوژیک، می‌توان تروریسم و انواع آن را جنایت دانست، اما در حقوق موضوعه، اگرچه به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، در اسناد بین‌المللی و توسط دبیرکل و کمیسیون عالی کمیسیون حقوق بشر جنایت بر ضد بشریت خوانده شد، اما عدم موفقیت جامعه بین‌المللی در ارائه تعریف جامع از تروریسم و ضعف سازوکارهای حقوق بین‌الملل برای مبارزه کیفی با آن، تروریسم را فاقد عناصر لازم برای جنایت تلقی شدن در بعد بین‌المللی نموده است. از این رو هیچ قاعده جهانی وجود ندارد که تعقیب متهمان را در قالب صلاحیت جهانی اجازه دهد، اما هم چنان یکی از مصادیق جنایت شدید دارای اهمیت بین‌المللی که تکلیف به مجازات یا استرداد متهمان در مورد آن وجود دارد.

ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد، شناسایی وجود تهدید علیه صلح، نقض آن و احراز تجاوز را وظیفه ذاتی شورای امنیت دانسته است، اما تعیین هر کدام از وضعیت‌های فوق در اختیار شورای امنیت قرار گرفته و به جز تعریف تجاوز مندرج در قطعنامه ۳۳۱۴، از بقیه این وضعیت‌ها تعریفی به عمل نیامده است. بنابراین دو دیدگاه در این باره مطرح می‌شود: یکی اینکه شورای امنیت در انجام وظایف محوله توسط فصل ۷، مقید به حقوق بین‌الملل نیست؛ دیگر اینکه از آنجایی که سازمان ملل تابع حقوق بین‌الملل است، ارکان آن نیز ملزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل هستند، پس شورای امنیت باید تابع هنجارهای شناخته‌شده حقوق بین‌الملل باشد. تلقی تروریسم به عنوان ناقض یا تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی را باید در رویه شورای امنیت در قطعنامه‌های مبارزه با تروریسم سراغ گرفت. در قطعنامه ۷۳۱ در قضیه لاکربی و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳، تروریسم به عنوان ناقض صلح و امنیت بین‌المللی در

نظر گرفته شده است. بنابراین چون تروریسم بیولوژیک به هر حال نوعی از انواع تروریسم است، در مورد آن نیز صدق می‌کند. تروریسم پدیده شومی است که جان، مال و آزادی‌های اساسی بشریت را هدف قرار داده است. نقض حقوق بشر توسط تروریسم در معنای عام خود برکسی پوشیده نیست. اقدامات تروریستی به طور جدی حق بهره‌مندی انسان از حقوق بشر را مختل می‌کند و توسعه اجتماعی و اقتصادی همه دولت‌ها را تهدید و ثبات جهانی و رفاه را تضعیف می‌کند. همانطور که کمیسیون عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل، خانم مری رابینسون (Mary Robinson) اظهار داشت: «اساس حقوق بشر این است که زندگی انسان و کرامت وی نباید به مصالحه گذاشته شود و اعمال خاص دولت‌ها یا غیر دولتی‌ها هم هرگز نمی‌تواند هدف را توجیه کند. حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه، حد و مرزهایی را که در ارتباط با رفتار نظامی و سیاسی تعریف می‌کنند، دیدگاه بی‌ملاحظه نسبت به زندگی آزادی انسانی اقدامات ضد تروریستی را زیر سؤال می‌برد» (۵).

تروریسم بین‌المللی طبق حقوق بین‌الملل عرفی جنایت علیه بشریت است. در واقع تعدادی از نقض‌های مربوط رویدادهای شیمیایی، بیولوژیکی و رادیو هسته‌ای (CBRN) در محدوده تعاریف معاهده و عرفی جرائم بین‌المللی قرار می‌گیرند و باید به این ترتیب، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. این رویدادها ممکن است مستلزم مسئولیت حقوق کیفری طبق قوانین بین‌المللی باشد، اما هنجارهای بین‌المللی دیگر که منشأ آن در معاهده یا رویه قضایی است، از دولت‌ها می‌خواهد که در نظام‌های حقوقی داخلی خود مجموعه وسیع‌تری از رفتارهای مربوط به عوامل عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای را سرکوب کنند. این جرائم مربوط به رویدادهای شیمیایی، بیولوژیکی و رادیو هسته‌ای هستند، اما که جزء جنایات بین‌المللی نیستند. بررسی منابع اولیه وجود دو تعهد اصلی بین‌المللی در رابطه با سرکوب داخلی نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیو هسته‌ای که در حد جنایات بین‌المللی نیست را آشکار می‌سازد: نخست الزام به

جرمانگاری، یعنی پذیرش تعهدات بین‌المللی در قوانین داخلی؛ دوم الزام به تعقیب، یعنی فعال کردن سیستم قضایی به منظور تعقیب، حداقل با ارائه پرونده به مراجع ذیصلاح. هر دوی این تعهدات می‌توانند از نظر دامنه فراسرزمینی باشند، زیرا ممکن است نه تنها در مورد رفتاری که در قلمرو کشور مربوطه انجام می‌شود، بلکه در مورد آنچه در خارج از کشور انجام می‌شود نیز اعمال گردد. بنابراین پیامدهای عدم جرم‌انگاری و یا پیگرد قانونی که شامل مسئولیت دولت برای نقض تعهدات بین‌المللی و مسئولیت نقض حقوق بشر که در خصوص نقض حق حیات است، قابل بررسی خواهد بود.

این تعهدات شامل معاهدات مربوط به کنترل تسلیحات و خلع سلاح (ACDL)، قواعد بین‌المللی ضد تروریسم (CTL)، قواعد بین‌المللی در حفاظت از محیط زیست (IEL) و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد فعالیت‌های خطرناک می‌باشند. رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر (ECTHR) تعهدی را برای پیگرد قانونی ایجاد کرده است که دامنه آن کلی است و برای همه انواع رویدادها، صرف نظر از آزاد شدن عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیو هسته‌ای یا رفتار انجام شده، اعمال می‌شود (۱).

۳. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به همکاری در مبارزه با تروریسم بیولوژیک: در این قسمت لازم است ابعاد تعهد دولت‌ها به همکاری در مبارزه با تروریسم بیولوژیک که تجربه نشان داده به علت فرامرزی بودن ارتکاب آن نیازمند اقدامات واکنشی در سطح بین‌المللی می‌باشد، لذا اقدامات ملی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بررسی گردد.

۳-۱. اقدامات پیشگیرانه و مقدماتی: یک راهبرد ضد تروریستی آینده‌نگر و پیشگیرانه در سیستم عدالت کیفری دربرگیرنده جرائم ماهوی، اختیارات و فنون تجسس، قواعد مربوط به ادله و همکاری بین‌المللی است (۶). بنابراین همکاری بین‌المللی حلقه ارتباط واکنش مؤثر کیفری به تروریسم از مرحله پیشگیری تا ظرفیت‌سازی دستگاه کیفری است. اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از ارتکاب جرم، بهترین گزینه‌ای است که می‌تواند جامعه داخلی و نیز

بین‌الملل را در مقابل پدیده مجرمانه مصون نگه دارد. در مورد جرائمی چون تروریسم می‌توان گفت مقصود از پیشگیری استفاده از فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تحدید امکان وقوع جرم از طریق غیر ممکن کردن، دشوارتر کردن یا کاهش احتمال آن‌ها می‌باشد (۷). در مورد تروریسم بیولوژیک اقدامات گوناگونی از حقوقی تا فنی می‌تواند مانع شکل‌گیری گروه‌های تروریستی شود و رشد و کمی و کیفی آنان را متوقف نماید و با وضع قوانین مناسب و نیز پیشگیری وضعی مانع از انجام اقدامات تروریستی توسط آنان شود.

تدابیر مقدماتی در حوزه تروریسم بیولوژیک می‌تواند با توجه به مشابهت‌های این جرم با جنایات سازمان‌یافته فراملی، شامل تدابیر علمی و آموزشی نیز باشد. از سوی دیگر پیشگیری و بازدارندگی راهی کم‌هزینه‌تر از مبارزه به شمار می‌آید. جرم‌انگاری لازمه مبارزه با این پدیده مبتلابه است و سرکوب مالی نیز اخیراً بسیار مورد توجه جامعه جهانی در این حوزه بوده است. برخی از اسناد حقوقی بین‌المللی که دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم موظف به ترویج آن‌ها است، تحت نظارت سایر سازمان‌های بین‌المللی اجرایی می‌گردد. به طور مثال جرم‌انگاری اعمال تروریسم بیولوژیکی در حوزه‌های ناوبری دریایی و هوانوردی غیر نظامی. سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) مفاد جرم‌انگاری پروتکل‌های مصوب ۲۰۰۵ را مورد بحث قرار داد و تأکید کرد که چارچوب‌های قانونی مؤثر در مورد ایمنی ناوبری دریایی نیز برای جلوگیری از اعمال تروریسم بیولوژیکی در دریا ضروری است. کشتیرانی یک صنعت جهانی است که هم به کشورهای محصور در خشکی و هم به کشورهای ساحلی مربوط می‌شود. بنابراین هر کشوری ممکن است شهروندانی داشته باشد که قربانی یا مجرم یک اقدام تروریستی در دریا شود. همین چارچوب قانونی برای جرم‌انگاری اعمال تروریسم بیولوژیکی که بر هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، ضروری است. ایکائو در مورد جرم‌انگاری تروریسم بیولوژیکی تحت کنوانسیون ۲۰۱۰ پکن اعلام نموده است که حملات بیولوژیکی علیه هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی اعتماد عمومی را متزلزل و در عین حال

حمل و نقل هوایی را مختل می‌کند. کنوانسیون پکن چنین اعمالی را جرم‌انگاری می‌کند و تضمین می‌کند که در صورت وقوع حمله، متخلفان پاسخگو بوده و محاکمه خواهند شد (۸).
۱-۱-۳. آگاهی‌بخشی و آموزش: دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد موظف است تلاش‌ها را برای ارتقای چارچوب حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیکی افزایش دهد. عدم روشننگری‌ها لازم و عدم اطمینان ناشی از همه‌گیری Covid-19 در سراسر جهان، تهدید تروریسم بیولوژیکی را مبدل به گفتمان غالب نموده است. این در حالی است که جامعه بین‌المللی مدت‌هاست با چالش‌های تروریسم بیولوژیکی مواجه شده است. در طول دهه‌های گذشته، کشورهای عضو سازمان ملل متحد اسناد حقوقی بین‌المللی متعددی را برای مقابله با خطر توسعه، دستیابی و استفاده از عوامل بیولوژیکی یا سلاح‌ها برای اهداف تروریستی توسط بازیگران غیر دولتی مورد مذاکره و تصویب قرار داده‌اند.

در پاسخ به این تهدید فزاینده، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در سپتامبر ۲۰۲۰ رویدادی آگاهی‌بخش را با عنوان «چارچوب حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیکی» با حضور کارشناسانی از دانشگاه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و با حضور ۲۱۹ شرکت‌کننده از ۴۱ کشور و ۱۷ سازمان بین‌المللی برگزار کرد. این رویداد آگاهی دولتها را در مورد اسناد حقوقی بین‌المللی موجود افزایش داد، کشورهای عضو را تشویق به تبعیت از آنها نمود، بر لزوم تقویت ظرفیت کشورهای عضو برای پاسخگویی مؤثر به بیوتروریسم و بر نقش تعیین‌کننده‌ای که چارچوب‌های حقوقی در این زمینه ایفا می‌کند، تأکید کرد. پیشگیری و مقابله با تروریسم بیولوژیکی مستلزم تلاش جمعی است و این دفتر می‌تواند از طریق برنامه‌های ظرفیت‌سازی متناسب به این تلاش جهانی کمک کند.

هفت سند از ۱۹ سند بین‌المللی حقوقی علیه تروریسم به پیشگیری و سرکوب تروریسم شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و یا هسته‌ای (CBRN) می‌پردازد. دستیابی و استفاده از چنین سلاح‌ها یا موادی توسط بازیگران غیر دولتی

تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. وجود یک چارچوب حقوقی محکم، گامی اساسی است که کشورهای عضو باید برای مقابله با این تهدید بردارند. آگاه‌سازی و آموزش در دستور کار بسیاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد، نمونه‌های موفق از آن در رویه پلیس بین‌الملل (Interpol) و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد وجود دارد. برای کمک به کشورها در این راستا، در سال ۲۰۱۹، شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، مازول آموزش الکترونیکی را در مورد چارچوب حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای راه‌اندازی کرد. این مازول، به منظور ارتقای آگاهی در مورد نیاز به پایبندی به اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم و گنجاندن مفاد آنها در قوانین ملی است (۸).

مقابله با فعالیت‌های تروریسم بیولوژیکی و شیمیایی در شبکه تاریک مستلزم آموزش است. با استفاده روزافزون از شبکه تاریک برای فعالیت‌های مجرمانه، خطر دستیابی، انتقال، قاچاق مواد بیولوژیکی، سلاح‌ها و اطلاعات مربوط به بیوتروریسم در حالی که ناشناخته باقی می‌ماند، آموزش تخصصی با هدف مقابله با این تهدید از طریق ارائه دانش و مهارت لازم به افسران مبارزه با تروریسم، اطلاعات و جرائم سایبری برای انجام تحقیقات انجام می‌شود. این کار آنها را برای شناسایی و جمع‌آوری شواهد مرتبط با تکثیر مواد بیولوژیکی و شیمیایی در شبکه تاریک بهتر مجهز می‌کند.

آموزش در حوزه کاهش تهدیدات بیولوژیکی ناشی از بازگشت احتمالی جنگجویان تروریست خارجی به کشورهای خود شامل توسعه و اتخاذ مکانیسم‌های پیشگیرانه است تا اطمینان حاصل شود که دانش آنها در مورد سلاح‌های بیولوژیکی به بازیگران غیر دولتی منتقل نمی‌شود. در این خصوص اینترپل، ظرفیت کشورهای عضو را برای اجرای اقدامات مؤثر برای کنترل شیوع گسترده همه‌گیر و تضمین کافی ایمنی عمومی تقویت می‌کند. این امر مستلزم همکاری چند اژانس و آموزش مداوم است. یکی از این پروژه‌ها در منطقه غرب آفریقا در

واکنش مستقیم به شیوع ابولا در سال‌های ۱۶-۲۰۱۴ با تأکید بر امنیت زیستی به اجرا درآمده است. نتایج این پروژه اهمیت همکاری و هماهنگی بین مجریان قانون و کادر سلامت و بهداشت را برجسته می‌کند و اصول کلیدی مشارکت و هماهنگی بین‌سازمانی را ترویج می‌کند (۹).

اهمیت امر آموزش در اینترپل، در تدوین رویه‌های داخلی و طرح‌های ملی در راستای پیشگیری و پاسخگویی به تهدیدات بیولوژیکی، تسهیم تخصص و بهترین شیوه‌ها برای ایجاد توانمندی‌های ملی و منطقه‌ای موجود آموزش خاص برای رسیدگی به جمع‌آوری شواهد در صحنه جرم بیولوژیکی، افزایش مهارت‌ها و دانش ضروری مربوط به اقدامات متقابل، حفظ شواهد، حفظ زنجیره نگهداری و انطباق برای اطمینان از پذیرش شواهد، آموزش بهره‌برداری از شواهد بیوتروریسم با هدف شناسایی و جلوگیری از قاچاق عوامل بیولوژیکی، مواد و تجهیزات، آموزش رویداد بیولوژیکی عمدی به مجریان قانون و سازمان‌های بهداشت عمومی برای اجرای مؤثر اقدامات مشترک در صورت وقوع یک حمله بیوتروریستی می‌باشد.

۳-۱-۲. تلاش در راستای جرم‌انگاری: در حقوق بین‌الملل، تعهدات جرم‌انگاری، وظیفه‌ای را برای دولت‌ها تحمیل می‌کند تا قوانین داخلی را وضع نمایند که رفتارهای فردی خاص را، همانطور که در منبع بین‌المللی مربوط تعریف شده است، به عنوان یک جرم کیفری در نظام حقوقی ملی شناسایی نمایند. چنین تعهداتی در حوزه بین‌المللی تازگی ندارند، زیرا از نیاز دولت‌ها برای سازماندهی بهتر جهت اقدام برای مشترک سرکوب برخی جرائم جنایی، به ویژه مواردی که به منافع جمعی آن‌ها لطمه می‌زند و بعد فراملی قوی دارند، ناشی می‌شوند. با گذشت زمان، به تدریج این تعهدات جزئیات بیشتری پیدا می‌کند و محدودیت‌های جدی‌تری بر اختیارات قضایی دولت‌ها ایجاد می‌کند. این امر به ویژه هنگامی که به آن شاخه‌های مرتبط با رویدادهای مرتبط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای دقت می‌کنیم، صادق است، زیرا مصادیق مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای نمونه‌ای از جنایات فراملی هستند.

تعهدات برای جرم‌انگاری نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای از نظر دامنه خاص است، به این معنا که آن‌ها در یک شاخه خاص از حقوق بین‌الملل مانند تروریسم، خلع سلاح و حفاظت از محیط زیست در برابر انتشار عوامل عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای ظاهر می‌شود. علاوه بر این، با قطعنامه ۱۵۴۰ (۲۰۰۴ م.)، شورای امنیت سازمان ملل که در یک ظرفیت شبه‌قانونگذاری عمل می‌کند، دامنه رفتارهای تروریستی بیولوژیکی را که کشورها ملزم به ممنوعیت آن به عنوان جرائم جنایی هستند، گسترش داده است. بندهای مربوط به جرم‌انگاری در معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم بالاترین سطح دقت را نشان می‌دهد. آن‌ها جزئیاتی در مورد عناصر عینی و ذهنی جرم، شیوه‌های مسئولیت، ماهیت مجازات‌ها و زمینه‌های صلاحیت ارائه می‌دهند. رفتار ممنوعه نه تنها شامل ارتکاب اقدامات تروریستی از طریق عوامل عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای می‌شود، بلکه شامل هرگونه فعالیت برای آماده‌سازی برای اقدام تروریستی می‌شود، از جمله ساخت، تهیه، کسب، دریافت، تملک، تغییر، انتقال و تحویل مواد عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای تروریستی و همچنین تأمین مالی تروریسم هسته‌ای می‌باشد. اکثر این مقررات مستلزم یک منطق عمومی، یعنی ارتکاب رفتار مربوطه به صورت عامدانه، اغلب با کمک یک هدف خاص است (مثلاً قصد ایجاد مرگ، آسیب جدی بدنی یا تخریب). معاهدات ضد تروریسم، همانطور که در قوانین ضد تروریسم معمول است، جرم‌انگاری را فراتر از ارتکاب مستقیم معمول داشته و به سایر شیوه‌های مسئولیت، از تلاش تا ارتکاب مشترک و اشکال مختلف همدستی، گسترش می‌دهد. همین مقررات تا آنجا پیش می‌رود که مستلزم تعیین مجازات‌های مناسب با در نظر گرفتن شدت رفتار است. در نهایت باید متذکر شد که تمامی بندهای جرم‌انگاری ارائه‌شده در معاهدات ضد تروریسم با مقررات توانمندسازی در زمینه صلاحیت دنبال می‌شوند که به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد قوانین جزایی خود را بر اساس صلاحیت جهانی گسترش دهند (۱۰).

هر رفتار مجرمانه با توجه به عناصر عینی و مادی (Actus Reus) آن، به عنوان مثال، ایجاد تخریب، قراردادادن مواد منفجره، توقیف هواپیما یا کشتی و... تعریف می‌شود. در برخی موارد، بدون در نظرگرفتن این موضوع، یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده جرم، ایجاد خطر است. در مورد اینکه آیا ایجاد چنین خطری عمدی بوده است (برای مثال، تمام اعمال خشونت‌آمیز انجام‌شده در هواپیما، مشمول کنوانسیون منع اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی هوانوردی غیر نظامی نیست؛ جرم مربوطه فقط شامل مواردی که احتمالاً ایمنی هواپیما را در حین پرواز به خطر می‌اندازند). اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم «اعمال تروریستی» را تعریف نمی‌کنند و انگیزه تروریستی را شرط لازم برای رفتارهای خاصی قرار نمی‌دهند. فقط در موارد خاصی انگیزه تروریستی عنصری از جرم است. در این موارد، انگیزه تروریستی به عنوان قصد «اجبار یک شخص حقیقی یا حقوقی، سازمان بین‌المللی یا دولت به انجام یا خودداری از انجام یک عمل یا اقدامی مشخص» معرفی می‌شود یا «برای ارباب یک جمعیت، یا مجبورکردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام هر عملی». عنصر ذهنی و معنوی جرم (Mens Rea) مندرج در مقررات، عموماً ایجاب می‌کند که جرم «عمداً» انجام شود. این نیت «عمومی» اغلب با یک نیت «خاص» همراه است که همان قصد اضافی است به عنوان مثال، مرتکب باعث مرگ یا صدمات جدی بدنی شود. اسناد همچنین کشورهای عضو را موظف می‌کند که چنین جرائمی (آن‌هایی که در سند مربوطه تعریف شده‌اند) را به عنوان جرائم کیفری تحت قوانین داخلی خود، از جمله جرائم سوءقصد و مشارکت (معاونت و مشارکت) معرفی کنند.

باید افزود کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای، اصلاحیه کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و ابزارهای امنیت دریایی و هوانوردی غیر نظامی، حاوی موارد دیگری نیز هستند: الزامات جرم‌انگاری مربوط به مشارکت در ارتکاب جرائم توسط گروهی از افراد که

با هدف مشترک عمل می‌کنند، مستثنی‌شدن نیروهای مسلح یک دولت در اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم در مورد فعالیت‌های نیروهای مسلح در طول یک درگیری مسلحانه‌اند، زیرا این موارد تحت حاکمیت حقوق بین‌المللی بشردوستانه بررسی می‌شوند و نهایتاً اینکه اسناد مجازات‌های خاصی را تعیین نمی‌کنند، اما در عوض مستلزم آن است که جرائم با مجازات‌های مناسبی که ماهیت شدید جرائم را در نظر می‌گیرد، جرم‌انگاری شوند (۱۱).

اقدامات سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در بحث همکاری‌های بین‌المللی در تمامی حوزه‌هایی که ذکر شد، حائز اهمیت است. در سال‌های اخیر، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد به طور فزاینده‌ای حمایت خود را از کشورهای عضو از طریق این موارد افزایش داده است:

- افزایش آگاهی در مورد اهمیت و مزایای پابندی و اجرای کامل اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای.

- کمک به سیاستگذاران و قانونگذاران ملی در تهیه پیش‌نویس و بازنگری قوانین مربوطه در صورت درخواست آن‌ها.

- انجام ظرفیت‌سازی مقامات عدالت کیفری برای حصول اطمینان از تحقیق، تعقیب و مجازات مؤثر در مورد جرائم تروریسم مرتبط با عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای.

- تقویت همکاری بین‌المللی در امور جنایی مرتبط با تروریسم عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای.

- برنامه درسی آموزش حقوقی مبارزه با تروریسم یکی از ابزارهایی است که توسط شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد برای انتقال دانش و تخصص مورد نیاز برای تقویت ظرفیت دولت‌ها برای اجرای تعهدات حقوقی بین‌المللی خود در زمینه مبارزه با تروریسم تدوین شده است.

این انتقال دانش از دو طریق صورت می‌گیرد: ۱- آموزش مستقیم به مقامات سیستم عدالت کیفری؛ ۲- حمایت از مؤسسات آموزشی ملی برای توسعه و گنجاندن عناصر مبارزه

با تروریسم، از جمله مبارزه با تروریسم در زمینه حقوقی بین‌المللی، چارچوب حقوقی جهانی علیه تروریسم، همکاری بین‌المللی در امور جنایی: مبارزه با تروریسم، پاسخ حقوق بشر و عدالت کیفری به تروریسم، جرائم تروریسم مرتبط با حمل و نقل (هواپیمایی کشوری و دریایی) و چارچوب حقوقی بین‌المللی علیه مواد شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و تروریسم هسته‌ای (۱۱).

۲-۳. واکنش کیفری به تروریسم بیولوژیک: واکنش در چارچوب قانون در مورد بسیاری از حوادث تروریستی می‌تواند راهگشا باشد. بسیاری از حقوقدانان قانون را ابزار مناسبی برای مبارزه با تروریسم می‌دانند، تدوین قوانین ضد تروریسم توسط دولت‌ها و نیز تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تروریسم دلالت بر اهمیت این روش دارد، اما به نظر می‌شود روند رو به رشد حوادث تروریستی و نیز ظهور گونه‌های جدید از آن این نظر را با چالش جدی مواجه کند. تدابیر و راهبردهای حقوقی که در این قسمت مورد بحث قرار خواهد گرفت، در واقع نخستین و منطقی‌ترین واکنش موجود به این پدیده از دیدگاه حقوق بین‌الملل است. واکنش کیفری اعم از شناسایی و کشف جرم تا ضمانت اجرا و تعقیب کیفری می‌باشد.

نخست باید خاطرنشان کرد که پیش‌شرط اعمال تدابیر کیفری، جرم‌انگاری و تعریف جامعی از مفهوم تروریسم است. جامعه جهانی باید به تعریف جامع و قابل قبولی در مورد تروریسم دست یابد، در غیاب چنین تعریفی، مشکلات مربوط به پیشگیری، کشف جرم، رسیدگی و مجازات مجرمان باقی است. تروریسم بیولوژیک از آنجایی که هم به حوزه تروریسم از باب مخفی بودن عملیات ارتكابی، خشونت‌بار بودن و دارا بودن سلسله مراتب مرتبط است و هم پیچیدگی‌های بیولوژیک از باب سرعت، گستره وسیع اقدامات، کم‌هزینه بودن و قابلیت اقدام از هر کجای گیتی را به همراه دارد، مسلماً در حوزه واکنش‌های کیفری به ویژه کشف جرم، دستیابی به مدارک و شواهد و معاضدت قضایی با چالش‌هایی مواجه است. اسناد بین‌المللی نیز در این میان تعهداتی را برای دولت‌های عضو در

به کار بستن معیارهای کیفری ماهوی و شکلی و نیز معیارهای اجرایی برای مبارزه با انواع تروریسم تدارک دیده‌اند. در اصول رهنمودی مندرج در پیش‌نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نیز ابعاد مبارزه با تروریسم این‌گونه برشمرده شده است: اهتمام به جرم‌انگاری، اقدام به پیشگیری، مجازات‌پذیری تروریسم، محاکمه یا استرداد، ضرورت همکاری و تبادل اطلاعات، تجسس و محاکمه اقدامات تروریستی و تبادل اطلاعات.

۳-۲-۱. تعقیب کیفری و محاکمه: تعهدات جرم‌انگاری ارائه شده در حقوق بین‌الملل بر اختیارات سنتی کشورها در جرم‌دانستن رفتارهایی که مستلزم مسئولیت حقوق کیفری در سیستم‌های حقوقی داخلی آن‌ها است، تأثیر می‌گذارد و محدودیت شدیدتری توسط هنجارهایی اعمال می‌شود که علاوه بر درخواست جرم‌انگاری، دولت‌ها را ملزم می‌کند تا سیستم قضایی خود را به منظور پیگرد قانونی فعال کنند. در مورد اخیر، می‌توان از تعهدات برای پیگرد قانونی صحبت کرد و تعدادی از آن‌ها را می‌توان در قوانین بین‌المللی مربوط به رویدادهای عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای یافت که البته از نظر دامنه متفاوت هستند و درجات مختلفی از تداخل با اختیارات دادستانی را ایجاد می‌کنند.

بنابراین باید از یکسو بین هنجارهایی که صرفاً یک دولت را ملزم به ارائه پرونده به مقامات ذی‌صلاح می‌کند و از سوی دیگر هنجارهایی که وظیفه ارائه مجرم مورد ادعا به دادگاه صالح را فراهم می‌کند، تمایز قائل شد. در مورد اول، به اصطلاح «فرمول لاهه» اتخاذ شده است: این فرمول مداخله مقامات مجری قانون (مانند شروع تحقیقات و یا جمع‌آوری شواهد) را می‌طلبد، اما صلاحیت دادستانی را رد نمی‌کند. شروع دادرسی کیفری (به اصطلاح فرصت‌طلبی)، مشروط بر اینکه چنین اختیاری در نظام حقوقی داخلی به رسمیت شناخته شده باشد، خواهد بود. برعکس، تعهدات برای تحویل مجرمان ادعایی به دادگاه مانع از صلاحیت دادستانی می‌شود. تعهدات موجود برای پیگرد قانونی تخلفات مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای هم در حوزه

خاص و هم در حوزه‌های کلی شکل گرفته است. اولین مورد بیشتر در معاهدات مربوط به تروریسم عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای ظاهر می‌شود، اما می‌توان آن را در کنوانسیون‌های مربوط به خلع سلاح و حفاظت از محیط زیست نیز یافت، اما در مورد تعهدات به جرم‌انگاری، در مفاد و مقررات موجود در کنوانسیون‌های تروریسم بسیار جزئی‌تر است.

نمونه‌های تعهد به تعقیب کیفری در معاهدات ضد تروریسم، وجود دارد که در آن‌ها تعهدات تعقیب یکی از دو گزینه معادل برای انجام تعهد به «محاكمه کن یا مسترد دار (Aut Dedere Aut Judicare)» است. مقررات در تمامی معاهدات ضد تروریسم با عبارات تقریباً یکسانی بیان شده‌اند و الزام به تعقیب کیفری به سه شرط بستگی دارد: ۱- ارتکاب جرمی به تعریف کنوانسیون، صرف نظر از قلمروی که در آن واقع شده است؛ ۲- اینکه مجرم در قلمرو کشور عضو پیدا شود؛ ۳- اینکه مجرم مسترد نشده باشد. در صورت احراز هر سه شرط، دولت عضو موظف است پرونده را به منظور پیگرد قانونی به مقامات ذی‌صلاح خود ارائه دهد. بنابراین این مقررات این اختیار را به مقامات ملی واگذار می‌کند که در مورد شروع یا عدم شروع دادرسی کیفری تصمیم بگیرند. با این حال، بیشتر این هنجارها با تعهدات تکمیلی ترکیب می‌شوند که اگرچه اختیار دادستانی را مستثنی نمی‌کنند، اما اعمال صلاحیت قضایی را تا پایان تأمین کیفری انجام می‌دهند.

ملاحظات تا حدی متفاوت را می‌توان در رابطه با تعهدات پیگرد قانونی در زمینه حفاظت از محیط زیست مطرح کرد. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها، کشورهای عضو را ملزم می‌کند که در کشتی تحت اقتدار آن‌ها به محض اطلاع از وقوع تخلف، رسیدگی را آغاز کنند، مشروط بر اینکه از وجود شواهد کافی اطمینان داشته باشند و جایی برای اعمال صلاحیت دادستانی، باقی بماند. کنوانسیون همکاری بین‌المللی منعقدشده در چارچوب اتحادیه اروپا (کنوانسیون دوم ناپل) دولت‌ها را وادار می‌کند که اجازه همکاری فرامرزی را برای تحقیقات و پیگرد قانونی در موارد قاچاق غیر قانونی

کالاهای ممنوعه بدهند. این مورد شامل زباله‌های خطرناک و سمی، مواد هسته‌ای و مواد یا تجهیزاتی است که برای ساخت سلاح‌های اتمی، بیولوژیکی و یا شیمیایی در نظر گرفته شده است.

مجموعه‌ای از احکام دیوان اروپایی حقوق بشر نیز حاوی تعهد کلی برای پیگرد قانونی در زمینه فعالیت‌های خطرناک است. به طور مثال، دادگاه اعلام نموده است که کوتاهی مقامات دولتی در اتخاذ تدابیر لازم و کافی برای جلوگیری از خطر ذاتی یک فعالیت خطرناک است ممکن است به منزله نقض ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR) تلقی گردد. این بند به وضوح تعهدی برای تعقیب را تعیین می‌کند که مانع اعمال صلاحیت دادستانی می‌شود، این احکام تا آنجا پیش می‌رود که موارد سهل‌انگاری که «فرا تر از خطای قضاوت است»، مستلزم پیگرد قانونی باشد، به این معنی که «مقامات مورد بحث، با درک کامل عواقب احتمالی و نادیده گرفتن آن‌ها» نتوانسته‌اند اقدامات پیشگیرانه لازم را اتخاذ کنند (۱۰). بنابراین در مورد تعهد عمومی برای تعقیب قضایی نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیک و هسته‌ای، می‌توان نتیجه گرفت که یک قاعده عرفی در مورد سرکوب رفتار تروریستی تثبیت شده است. چنین قاعده عرفی شامل تعهد به تعقیب کیفری است، زیرا بر هر کشوری این وظیفه را تحمیل می‌کند که «محاكمه افرادی در قلمرو خود یا در قلمرو تحت کنترل خود که ادعا می‌شود در تروریسم نقش دارند» را در قوانین خود بگنجانند.

۲-۲-۳. صلاحیت قضایی و استرداد: یکی از اهداف اصلی اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک این است که اطمینان حاصل شود که تا حد امکان کشورهای عضو صلاحیت رسیدگی به جرائم تعریف‌شده توسط آن اسناد را دارند تا از ایجاد پناهگاه‌های امن برای تروریست‌ها جلوگیری شود. این اسناد این هدف را از طریق مقرراتی که دولت‌های عضو را موظف می‌کند تا صلاحیت قضایی خود را بر جرائمی که در شرایط مختلف ارتکاب می‌یابد، توسعه دهد. به طور کلی، بر اساس این اسناد، زمانی که جرم در قلمرو کشور، در

کشتی با پرچم آن کشور یا هوایمای ثبت‌شده در آن کشور، یا جرم توسط تبعه آن ارتکاب یافته باشد، دولت‌های عضو ملزم به ایجاد صلاحیت قضایی هستند. این موارد اغلب به عنوان مبانی اجباری برای صلاحیت شناخته می‌شوند، به این معنی که کشورهای عضو موظف هستند آن‌ها را در قوانین ملی خود بگنجانند. علاوه بر این، اسناد همچنین تعدادی از دلایل اختیاری مانند اصل تابعیت منفعیل را ارائه می‌کنند که به موجب آن کشورهای عضو می‌توانند صلاحیت قضایی خود را در مورد جرائمی که در خارج از کشور علیه یکی از اتباع خود مرتکب شده‌اند، اعمال کنند (۱۱).

زمانی که بحث صلاحیت قضایی مطرح می‌گردد، دو تکلیف دیگر نیز به تعهدات دولت‌ها افزوده می‌شود: محاکمه یا استرداد و معاضدت و مساعدت حقوقی.

– الزام به استرداد یا پیگرد قانونی: تمام اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک شامل تعهد به استرداد یا پیگرد قانونی است. مقررات مربوطه بیان می‌دارد که هرگاه استرداد فردی حاضر در قلمرو یک دولت درخواست شود، آن دولت باید یا شخص مربوطه را به دولت درخواست‌کننده تحویل دهد یا پرونده را به منظور تعقیب قضایی به مقامات داخلی صلاحیت‌دار ارسال کند. ارزش اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک در زمینه استرداد به شرح زیر است: جرائم مندرج در اسناد بین‌المللی ضد تروریسم به عنوان جرائم قابل استرداد در هر معاهده استرداد موجود بین کشورهای عضو تلقی می‌شود. کشورهای عضو متعهد می‌شوند که جرائمی را که در آن به عنوان جرائم قابل استرداد توصیف شده است، در هر معاهده استرداد آتی که بین آن‌ها منعقد می‌شود، لحاظ کنند. کشورهای عضو که استرداد را مشروط به وجود معاهده نمی‌کنند، موظفند جرائم مندرج در اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک را به عنوان جرائم قابل استرداد بین خود در نظر بگیرند. کشورهای عضو که معمولاً یک معاهده را به عنوان شرط استرداد طلب می‌کنند، می‌توانند بنا به صلاحدید خود از سند بین‌المللی به عنوان مبانی قانونی برای استرداد زمانی که درخواستی توسط دولت دیگر عضو ارائه می‌شود، استفاده کنند.

– معاضدت و مساعدت حقوقی: با توجه به ابعاد جهانی تهدید تروریستی، اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک ابزارها و مکانیسم‌های قضایی اساسی را فراهم می‌کند تا مقامات ملی بتوانند به طور مؤثر تحقیقات فرامرزی را انجام دهند و اطمینان حاصل کنند که هیچ پناهگاه امنی برای تروریست‌ها وجود ندارد. چنین اسنادی برای همه کشورهای عضو یکسری مبانی حقوقی برای همکاری فراهم می‌کند. شایان ذکر است که اسناد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم بیولوژیک بر همکاری بین‌المللی از نقطه نظر عدالت کیفری تمرکز دارد، به عنوان مثال هدف آن‌ها تسهیل اجرای دادرسی کیفری در پرونده‌هایی است که حاوی عناصر فراملی است. در رابطه با مساعدت حقوقی متقابل باید خاطر نشان کرد: کشورهای عضو موظفند بیشترین کمک حقوقی را در ارتباط با تحقیقات یا دادرسی‌های جنایی یا استرداد با توجه به جرائم تعریف‌شده توسط سند مربوطه و الزام به کمک در به دست آوردن شواهد لازم برای چنین دادرسی، به یکدیگر ارائه دهند.

استثنائاً برای ماهیت سیاسی یک جرم، در اکثر معاهدات استرداد و در قوانین ملی بسیاری از کشورها وجود دارد. به طور سنتی، در صورتی که دولت درخواست‌شونده معتقد باشد که جرم مورد بحث ماهیت سیاسی دارد، درخواست استرداد رد می‌شد. این اصل از قرن نوزدهم سرچشمه می‌گیرد و بر این ایده استوار است که باید از مقاومت افراد در برابر ستم سیاسی حمایت کرد، اما کنوانسیون بمب‌گذاری‌های تروریستی صراحتاً استثنا جرم سیاسی را رد می‌کند. همه اسناد حقوقی بین‌المللی بعدی علیه تروریسم حاوی مقررات یکسانی هستند تا اطمینان حاصل شود که در مورد جرائم جدی، درخواست استرداد و کمک حقوقی متقابل با اظهارات بی‌اساس مبنی بر اعمال استثنای جرم سیاسی محدود نمی‌شود (۱۱).

۳-۳. همکاری در تسهیم اطلاعات و واکنش عملی: بخش عمده‌ای از تلاش‌ها مصروف به تسهیل آموزش هدفمند برای مجریان قانون و آژانس‌های ملی مربوطه در مورد چگونگی پیشگیری، آماده‌سازی و پاسخ به یک حمله بیوتروریستی است. ظرفیت‌سازی و فعالیت‌های آموزشی نه‌تنها

به ایجاد همکاری در سطوح ملی و منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه به دنبال ترویج رویکرد بین‌سازمانی است. این امر همکاری میان نهادهای مجری قانون و سایر بخش‌ها را تقویت می‌کند و در نتیجه اشتراک‌گذاری اطلاعات، ایجاد شیوه‌های مشترک و هماهنگی پاسخ‌های مشترک را آسان‌تر می‌کند.

این دو مورد، یعنی اشتراک‌گذاری اطلاعات ایجاد شیوه‌های مشترک در ایجاد اعتماد و به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین سازمان‌ها برای نظارت و ارزیابی تهدیدات بیولوژیکی تروریسم ضروری است. هماهنگ‌کننده واحد پیشگیری از بیوتروریسم اینترپل، تأکید کرده است که چگونه همکاری بین‌المللی می‌تواند از سازمان‌های مجری قانون در ارزیابی تهدیدات بیولوژیکی فعلی حمایت کند و چگونه ابزارهای ارزیابی تهدید مؤثر در کاهش تروریسم بیولوژیک نقش ایفا می‌کنند. بنابراین تأکید متخصصان بین‌المللی بر دو حوزه متمرکز است، لزوم جرم‌انگاری در پیشگیری و سرکوب تروریسم بیولوژیکی و همکاری مؤثر سازمان‌های بین‌المللی. قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت (۲۰۰۴ م.) کشورها را ملزم می‌کند که قوانین کافی را در اختیار داشته باشند و با یکدیگر برای مقابله با تهدید تکثیر سلاح‌های بیولوژیکی توسط بازیگران غیر دولتی همکاری کنند. این قطعنامه توافقنامه‌های چندجانبه مربوط به خلع سلاح و کنترل تسلیحات، از جمله کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی (BWC) را تکمیل می‌کند. همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد بدون توجه به وضعیت پایبندی خود به سایر اسناد باید از مفاد آن تبعیت کنند. قطعنامه ۱۵۴۰ به پرکردن شکاف‌های موجود در چارچوب حقوقی بین‌المللی موجود علیه تروریسم بیولوژیکی کمک می‌کند (۸).

یکی از اقدامات اینترپل در حوزه به اشتراک‌گذاری تجربیات و اطلاعات کارگاه مهارت‌های مشترک تحقیقات بیولوژیکی است. هدف این کارگاه افزایش به اشتراک‌گذاری اطلاعات و همکاری بین بازرسان مجری قانون و متخصصان سلامت حیوانات و انسان در هنگام واکنش به یک حادثه بیولوژیکی با درک اولویت‌ها و محدودیت‌های مختلف، تلاش‌های تحقیقاتی مشترک در مهار شیوع بیولوژیکی و شناسایی عاملان مؤثرتر است.

«گروه‌های تروریستی از توسعه قابلیت استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی صحبت کرده‌اند. شواهدی مبنی بر آزمایش و استفاده از سلاح‌های زیستی توسط گروه‌ها و افراد تروریستی وجود دارد و توسعه روزافزون علوم زیستی طیف وسیعی از فرصت‌های بالقوه را برای چنین افراد یا گروه‌هایی فراهم می‌کند.» این همان چیزی است که برنامه پیشگیری از بیوتروریسم اینترپل در مورد آن اقدام می‌نماید. حمایت و کمک به کشورها برای آمادگی بهتر برای جلوگیری از بیوتروریسم. برای کمک به درک بهتر مسائل، برای کمک به توسعه برنامه‌های ملی خود، آموزش همه کارکنان و اعمال کلیه سازمان‌ها و ادارات دولتی که درگیر خواهند شد. اینترپل واحد پیشگیری از بیوتروریسم را ایجاد نموده تا آژانس‌های مجری قانون را قادر سازد تا از استفاده عمدی از باکتری‌ها، ویروس‌ها یا سموم بیولوژیکی که انسان‌ها، حیوانات یا کشاورزی را تهدید می‌کنند یا به آن‌ها آسیب می‌رسانند، پیشگیری نموده و نیز بتوانند به چنین حمله تروریستی واکنش نشان دهند.

علاوه بر همکاری در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای، همکاری با سازمان‌های مجری قانون، وزارت بهداشت، دانشگاه و قانونگذاران ملی برای مقابله با این جنایت چالش‌برانگیز در راستاس اقدام و اقدامات متقابل مؤثر به عنوان بخشی از استراتژی امنیت جهانی بسیار اهمیت دارد.

به منظور کمک به نهادهای مجری قانون، برای شناسایی محرک‌ها و شاخص‌های فعالیت مجرمانه بالقوه مرتبط با دسترسی و تجارت مواد بیولوژیکی و شیمیایی با استفاده از شبکه تاریک، «راهنمای عملیاتی اینترپل برای بررسی تروریسم بیولوژیکی و شیمیایی در شبکه تاریک» توسط یک تیمی از کارشناسان از افسرانی که در زمینه‌های اطلاعاتی، تحقیقات ضد تروریسم و جرائم سایبری کار می‌کنند، به عنوان یک سند مرجع استفاده می‌شود که مفاهیم اساسی، بهترین شیوه‌های بین‌المللی و همچنین تکنیک‌ها و روش‌های مفید برای بازرسان و تحلیلگران را هنگام انجام تحقیقات مرتبط با دستیابی به عوامل بیولوژیکی و شیمیایی بیان می‌کند. اینترپل

به طور مداوم در تلاش است تا ظرفیت کشورهای عضو را برای مبارزه با تهدیدات بیولوژیکی از طریق سه عنصر اساسی تقویت نماید: پیشگیری، آمادگی و واکنش.

در حوزه آمادگی و واکنش، اینترپل اقدامات عملیاتی شایان ذکری را صورت داده است. به طور مثال تمرین عملیاتی زنده صحنه جرم بیولوژیکی. این تمرین عملیاتی فرصتی برای آزمایش رویه‌های عملیاتی استاندارد و همکاری چند سازمانی است که مجریان قانون و سایر آژانس‌های مربوطه، واکنش به یک حادثه شامل مواد بیولوژیکی را شبیه‌سازی می‌کنند. دیگری آموزش مدیریت صحنه جرم بیولوژیکی است. در این آموزش، سازمان‌های مجری قانون در مورد چگونگی شناسایی، واکنش و مدیریت بهتر صحنه جرم بیولوژیکی راهنمایی می‌شوند. این بخش جنبه‌های کلیدی مانند آگاهی از حادثه، به اشتراک‌گذاری اطلاعات و اطلاعات، کنترل حادثه، تجهیزات حفاظت فردی، بازیابی شواهد و کار پزشکی قانونی را پوشش می‌دهد. اقدام بعدی، مطالعه امکان‌سنجی در مورد توسعه یک پلتفرم حوادث بیولوژیکی است که در آن واحد پیشگیری از بیوتروریسم در حال کار برای توسعه یک پلتفرم نوآورانه تجزیه و تحلیل حوادث بیولوژیکی برای جامعه مجری قانون است. این پلتفرم به کشورهای عضو پشتیبانی تحلیلی قوی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات ارائه می‌دهد، زیرا به دنبال جمع‌آوری داده‌های جامع برای تعیین روندها و پیش‌بینی تهدیدات بیولوژیکی است. پشتیبانی اضطراری و بحران لازمه اقدام در واکنش به تروریسم بیولوژیک است. پاسخ عملیاتی و پشتیبانی تحقیقاتی به کشورهای عضو در مواقع اضطراری و بحران، خواه شامل حمله تروریستی عمدی یا شیوع طبیعی باشد. این پشتیبانی می‌تواند در قالب یک تیم واکنش به حوادث، انجام آموزش و عملیات اضطراری، ارائه تجهیزات لازم، پشتیبانی تحقیقات جنایی و همچنین استفاده از قابلیت‌های پلیس اینترپل اتفاق افتد (۹).

نهاد مؤثر دیگر، مؤسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه جرم و عدالت (UNICRI) است که از اهداف آن باید به درک پیشبرد مشکلات مرتبط با جرم و جنایت، تقویت سیستم‌های عدالت کیفری عادلانه و کارآمد، حمایت از

احترام به اسناد بین‌المللی و سایر استانداردها، تسهیل همکاری بین‌المللی اجرای قانون و معاضدت‌ها قضایی، اشاره نمود.

این مؤسسه در جهت نیل به اهداف فوق پنج اولویت استراتژیک به شرح زیر را در دستور کار خود دارد:

- ۱- پیشگیری و مقابله با تهدیدات امنیتی فراملی و تروریسم؛
- ۲- مقابله با شرکت‌های مجرمانه، جریان‌های مالی غیر قانونی؛
- ۳- ترویج استفاده مسئولانه از فناوری‌های جدید و نوظهور برای رسیدگی به جرم؛
- ۴- پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز؛
- ۵- ترویج حاکمیت قانون و حفاظت از دسترسی به عدالت.

این نهاد اقدامات مؤثری را برای مقابله با تهدید تروریسم شیمیایی و بیولوژیکی جهت ارتقای صلح و عدالت انجام می‌دهد. برای مثال، برنامه‌های آموزشی ملی و منطقه‌ای را اجرا می‌کند که بر عملیات و تحقیقات اطلاعاتی برای جلوگیری از حملات تسلیحاتی بیولوژیک توسط بازیگران غیر دولتی تمرکز دارد. به همین ترتیب، با توجه به ابعاد فراملی این پدیده، این نهاد ایجاد سیستم‌هایی را برای همکاری و تبادل به موقع اطلاعات بین سازمان‌های مربوطه (مانند مقامات اطلاعاتی، مجری قانون و نظارتی) و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه هماهنگ می‌کند. همچنین با همکاری سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)، اینترپل و کمیته ۱۵۴۰، برای ترویج پایبندی و اجرای رژیم حقوقی بین‌المللی علیه دستیابی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی توسط بازیگران غیر دولتی، تلاش می‌کند (۱۲).

۴. محتوای اسناد بین‌المللی در مبارزه با تروریسم بیولوژیک: مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه مبارزه با تروریسم بیولوژیک عبارتند از:

- پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص منع کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی و میکروبی: کنوانسیون ۱۹۷۲ در منع توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های بیولوژیکی و سمی، معروف به «کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی». این کنوانسیون، یک معاهده

خلع سلاح جامع است که توسعه، تولید، انباشت، اکتساب، نگهداری یا انتقال سلاح‌های بیولوژیکی را ممنوع می‌کند، این معاهده به خودی خود ابزاری برای مبارزه با تروریسم نیست، زیرا برای پرداختن به بازیگران دولتی تدوین شده است. با این حال، به تقویت هنجار علیه استفاده عمومی از سلاح‌های بیولوژیکی کمک می‌کند و اجرای ملی مفاد آن با گسترش برخی از ممنوعیت‌های آن به هر کسی در قلمرو کشورهای عضو، به جلوگیری از تروریسم بیولوژیکی کمک می‌کند.

- کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۷ برای سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی.

- کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۹ برای سرکوب تأمین مالی تروریسم.

- پروتکل ۲۰۰۵ به کنوانسیون برای سرکوب اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی دریایی.

- پروتکل ۲۰۰۵ به پروتکل برای سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی سکوها ثابت واقع در فلات قاره.

- کنوانسیون ۲۰۱۰ پکن در مورد سرکوب اقدامات غیر قانونی مربوط به هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی.

دو قطعنامه تحت فصل هفت منشور نیز کنوانسیون‌های فوق‌الذکر را تکمیل می‌کند. اول قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت (۲۰۰۱ م.) است که اندکی پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا، تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به تصویب رسید. قطعنامه ۱۳۷۳ تنها به محکومیت مظاهر خاص تروریسم در نقاط خاصی از جهان محدود نمی‌شود، بلکه تروریسم را یک پدیده عمومی می‌داند. چارچوبی برای بهبود همکاری بین‌المللی علیه تروریسم ایجاد می‌کند. این قطعنامه با نگرانی به ارتباط نزدیک بین تروریسم بین‌المللی و جا به جایی غیر قانونی مواد هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و سایر مواد بالقوه کشنده و در این راستا بر لزوم تقویت هماهنگی تلاش‌ها در سطوح ملی، زیر منطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور تقویت پاسخ جهانی به این چالش جدی و تهدید امنیت بین‌المللی تأکید می‌کند. کمیته مبارزه با تروریسم (CTC) به عنوان یکی از

نهادهای فرعی شورای امنیت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ نظارت می‌کند و یک دایره اجرایی (CTED) به اقدامات آن مساعدت می‌نماید. هدف کمیته تسهیل ارائه کمک به کشورها برای ایجاد ظرفیت برای مقابله با تروریسم در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. شورای امنیت دایره اجرایی را برای کمک به کار کمیته و هماهنگ کردن روند نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ تأسیس کرده است. از سال ۲۰۰۶، یک نظارت کلیدی برای پیاده‌سازی دقیق معاهدات مبارزه با تروریسم که برای تمام ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد تهیه شده است، تصویری از وضعیت مبارزه با تروریسم در هر کشور را بر اساس اطلاعات دریافتی از خود کشور، سازمان‌های بین‌المللی و سایر منابع عمومی ارائه می‌دهد.

دومین مورد، قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد است که به اتفاق آرا در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ تحت فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب شد. این اولین قطعنامه شورای امنیت است که بر دستیابی بالقوه سلاح‌های کشتار جمعی توسط بازیگران غیر دولتی تمرکز می‌کند. این قطعنامه تأکید می‌کند که «تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و همچنین ابزارهای ارسال آن‌ها، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.» قطعنامه ۱۵۴۰ عمداً تلاش می‌کند تا تهدیداتی را که تحت پوشش قواعد موجود قرار نمی‌گیرد، برطرف کند (۱۰).

بحث در مورد سلاح‌های بیولوژیکی از کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو که به صراحت به سلاح‌های بیولوژیکی می‌پردازد آغاز شده است، اما این کنوانسیون فقط در مورد استفاده دولت‌ها در جنگ اعمال می‌شود، نه برای بازیگران غیر دولتی یا استفاده در موقعیت‌هایی غیر از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، مانند زمان صلح یا درگیری‌های داخلی. تاکنون مقررات متعددی در خصوص از بین بردن سلاح‌های بیولوژیکی شکل گرفته است. با این حال، این ابزارهای موجود برای مبارزه با موضوع نگران‌کننده بیوتروریسم ناکافی تلقی می‌شوند. تا به امروز کنوانسیون خاصی وجود نداشته است که موضوع بیوتروریسم را به طور جامع تنظیم کند. بنابراین سازمان ملل متحد

(سازمان ملل متحد) به عنوان حافظ صلح باید، فوراً مقررات جدی‌تری برای ریشه‌کن کردن تروریسم به هر شکلی وضع کرده و از اقدام علیه امنیت بین‌المللی جلوگیری می‌کند (۱). از سوی دیگر مقابله با تروریسم شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای خطر استفاده از سلاح‌های این چینی یا مواد مرتبط توسط بازیگران غیر دولتی برای اهداف تروریستی یا سایر مقاصد مجرمانه نگرانی را افزایش می‌دهد، اما در واکنش به آن، جامعه بین‌المللی در حال پیگیری یک چارچوب قانونی مشترک برای مقابله با این تهدید است.

نتیجه‌گیری

تروریسم در همه اشکال آن تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی و تهدید جدی علیه حقوق بشر است. بر مبنای آنچه گفته شد، در صورت احراز شرایط مندرج در ماده ۷ اساسنامه رم ممکن است به مثابه جنایت علیه بشریت تلقی شود. تلاش در راستای مبارزه با این جنایت از رهگذر اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و نیز اقدامات عملی سازمان‌های بین‌المللی در پرتو تعهد به همکاری می‌گذرد. حقوق بین‌الملل در مبارزه با این پدیده تعهدی کلی برای جرم‌انگاری نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی و هسته‌ای را پیش‌بینی نموده است، گذشته از اسناد، یک قاعده عرفی وجود دارد که دولت‌ها را ملزم می‌کند حداقل برخی از جرائم بین‌المللی را جرم‌انگاری کنند، در مورد نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی و هسته‌ای باید افزود با توجه به عضویت زیاد کنوانسیون‌های ضد تروریسم و الزام جدی به جرم‌انگاری در آن، می‌توان این استدلال را مطرح کرد که یک تعهد مرسوم برای جرم‌انگاری رفتار تروریستی فراملی، از جمله تروریسم بیولوژیکی در حال ظهور است و جایگاه این الزام به جرم‌انگاری به عنوان امری مهم در مبارزه با تروریسم بیولوژیک در حقوق بشر توسعه یافته است. باید دانست این استدلال عمدتاً بر تصمیمات دیوان اروپایی حقوق استوار است جایی که نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بر اساس عدم جرم‌انگاری کافی در سیستم حقوقی

داخلی اعلام می‌کند. برای این منظور، دیوان برخی از مقررات کنوانسیون، از جمله ماده ۲، را به عنوان تعیین تکلیف برای وضع «مقررات مؤثر حقوق کیفری برای جلوگیری از ارتکاب جرم» تفسیر کرده است. بر اساس یافته‌ها، جرم‌انگاری مهم‌ترین رکن در مبارزه با تروریسم است، اما به تنهایی کافی نیست و نیاز به همکاری‌های مؤثر بین‌المللی دارد. از سوی دیگر به جز جرم‌انگاری مصادیقی که می‌توان به مثابه جنایت بین‌المللی در نظر گرفت، تلاش‌های دولت‌ها برای سرکوب نقض‌های مربوط به عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی و هسته‌ای که در حد جنایات بین‌المللی نیستند، توسط مجموعه‌ای غنی از تعهدات بین‌المللی هدایت می‌شوند که اهداف اصلی آن دستیابی به بازدارندگی از طریق جرم‌انگاری و نسبت‌دادن مسئولیت از طریق پیگرد قانونی است.

اگرچه حقوق بین‌الملل تمایل شدیدی به اعمال صلاحیت کیفری ملی در واکنش به رویدادهای بیولوژیکی نشان می‌دهد، این حوزه همچنان با پراکندگی شدید قوانین قابل اجرا مشخص است که در نتیجه فقدان یک سند جامع در مورد حمایت در برابر بلایای عوامل شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی و هسته‌ای به وجود آمده است. فقدان تعهدات عمومی قابل اعمال، صرف نظر از نوع رویداد یا عامل، رویه قضایی را بر آن داشته است تا سعی در پرکردن این خلأ با هدف حمایت مؤثر از حق حیات داشته باشد. این نشانه‌ای از توسل فزاینده به حقوق بشر به عنوان منبع تعهدات عمومی است که یکی از دستاوردهای نظام بین‌المللی حقوق بشر است. تعهد به جرم‌انگاری را باید جزء تعهدات مثبت دانست، اما نه تنها اقدامات، بلکه همچنین قصور ممکن است نقض تعهدات بین‌المللی باشد، عدم اجرای تعهدات برای جرم‌انگاری و پیگرد قانونی، در صورت انتساب به یک دولت، مستلزم مسئولیت دولت است. تعهد به نتیجه، وظیفه دستیابی به یک هدف از پیش تعیین‌شده را تحمیل می‌کند. این تعهد زمانی نقض می‌شود که نتیجه‌ای که هنجار مورد نظر خواسته است، به دست نیاید. باید دید که چگونه این چارچوب در مورد تعهدات جرم‌انگاری و تعهدات برای تعقیب اعمال می‌شود. نتیجه نشان می‌دهد که تعهدات برای جرم‌انگاری باید به عنوان تعهد به

نتیجه در نظر گرفته شود. این دیدگاه البته توسط دکترین حقوقی نیز پشتیبانی می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری تلویحاً در پرونده بلژیک علیه سنگال این نظر را اتخاذ کرده است، جایی که دیوان تأکید می‌کند که تعهدات جرم‌انگاری در کنوانسیون‌های بین‌المللی «خصلت پیشگیرانه و بازدارنده» دارند. از آنجایی که کشورهای عضو با تجهیز خود به ابزارهای قانونی لازم برای تعقیب این نوع جرائم، اطمینان حاصل می‌کنند که سیستم‌های حقوقی آن‌ها در این راستا به درستی عمل می‌کند و خود را متعهد به هماهنگی تلاش‌ها برای از بین بردن هرگونه خطر معافیت از مجازات می‌کنند. در مورد جرم‌انگاری جایی برای تردید باقی نمی‌گذارد: دولت‌ها صرفاً ملزم نیستند در تلاش خود برای تصویب قوانین ملی اهتمام نشان دهند. اجرای کامل مستلزم ورود جرم به نظام حقوقی داخلی است. بنابراین تعهدات مبتنی بر معاهده برای جرم‌انگاری، از جمله تعهداتی که منعکس‌کننده قوانین عرفی در مورد تروریسم هستند، زمانی نقض می‌شوند که دولت‌ها قوانین خود را (در صورت لزوم) پس از لازم‌الاجرا شدن تعهدات بین‌المللی اصلاح نکنند (۱۰).

در مورد ایران باید گفت در حقوق داخلی، هرچند قدم‌های مثبتی برداشته شده است، ولی به دلیل جدی‌نگرفتن تهدیدات زیستی، سرعت عمل‌گند قانونگذار و نبود نگاه افتراقی به بیوتروریسم، سازوکارهای مبارزه با تروریسم زیستی، کارآمد نیست و قانونگذار ایرانی، بیوتروریسم را به عنوان جرمی مستقل کیفرگذاری نکرده است. از این رو برای تعیین پاسخ به آن رفتار، باید آن را با سایر عناوین عمومی مجرمانه تطبیق داد. در حوزه بین‌المللی نیز کاستی‌ها و ابهامات در برخی اسناد بین‌المللی و مشکل راستی‌آزمایی در حوزه عملکرد دولت‌ها، نقطه ضعف موازین بین‌المللی در زمینه سلاح‌های بیولوژیک است (۱۳).

مشارکت نویسندگان

لیلا میربد: جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نگارش اولیه متن.

محسن خاکزاد شاهدشتی: طراحی ایده و بازبینی، مرور و اصلاح متن.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Elyasa Y. Bioterrorism: The Development and Its Regulations According to the International Law. *Lampung Journal of International Law*. 2021; 3(1): 29-40.
2. Fidler DP. Bioterrorism, Public Health, and International Law. *Chicago Journal International Law*. 2002; 3(1): 7-26.
3. Lesser LO, Hoffman B, Arquilla J, Ronfeldt D, Zanini M, Jenkins BM. *Countering the new terrorism*. Santa Monica: RAND Corporation; 1999.
4. Abdulahi M. *Terrorism: Human rights and humanitarian rights*. Tehran: Shahr-e Publications; 2009. [Persian]
5. Ghasemi GH-A, Bagherzadeh S. The Status of Human Rights in the Fight against Cyber-Terrorism. *International Law Journal*. 2015; 52: 227-254. [Persian]
6. Namamian P. *Criminal justice responses to terrorism*. First edition. Tehran: Mizan publication: (2010). [Persian]
7. Salimi S. *Transnational organized crime*. 2nd ed. Tehran: Jangal Publications; 2012. [Persian]
8. UNODC. *Upscales Efforts to Promote the International Legal Framework against Biological Terrorism Amid Covid-19*. Online. 2020. Available at: <https://www.unodc.org/unodc/en/terrorism/latest-news/2020-international-legal-framework-against-biological-terrorism.html>.
9. Available at: <https://www.interpol.int/en/Crimes/Terrorism/Bioterrorism>.
10. Amoroso AM. *Criminal Repression of CBRN-Related Violations Which Do Not Amount to International Crimes*. *International Law and Chemical, Biological, Radio-Nuclear (CBRN) Events*, Brill. 2022; 599-618.
11. United Nations Office on Drugs and Crime. *The International Legal Framework against Chemical, Biological, Radiological and Nuclear Terrorism*. New York N.Y: United Nations; 2016.
12. Available at: <https://unicri.it/topics/-Preventing-Chemical-Biological-Terrorism>.
13. Mousavi SA, Massoud GH-H, Raei M. Analytical Mechanisms in International Documents and Domestic Laws and Regulations. *Journal of Comparative Law*. 2021; 8(1): 253-282. [Persian]